

«رهبر شهید» و گفتمان انتقادی انقلاب اسلامی در شناخت تجدد

در آمدی بر مختصات و ویژگی‌های «دوران جدید عالم»

■ **سمانه صادقی**



اثری که هم‌اینگ در معرفی آن سخن می‌رود، همانگونه که در عنوان خویش آورده است، به «گفتمان انتقادی انقلاب اسلامی

آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی» پرداخته است. این پژوهش از سوی مؤسسه فرهنگی- پژوهشی انقلاب اسلامی انجام شده و انتشارات وابسته آن را روانه بازار کتاب ساخته است. تازنمای ناشر در اشاره به مضمون و محتوای این تحقیق، نکات ذیل را از نظر دور نداشته است: «در این کتاب به رویکرد انتقادی انقلاب اسلامی نسبت به جهان متجدد غربی و مبتنی بر سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی، به تفصیل پرداخته شده است. کتاب حاضر، شامل دو بخش کلی است: انقلاب اسلامی و غرب متجدد و غرب‌شناسی و تجددشناسی انتقادی که مطابق با فهرست کتاب، فصولی متناسب با این دو بخش، مدون و منقح شده‌اند. در مجموع مطالعه‌این کتاب، برای همگان به‌خصوص مسئولان محترم نظام اسلامی و کارشناسان مختلف عرصه‌های تدبیر کشور، راهگشا و مفید خواهد بود، چراکه بیان روان، حکمت‌عیان، منطقی مستحکم و دلالت‌های جامع در گفته‌ها و نوشته‌های معظم‌له، در بهینش و داوری اهالی تأمل، بسیار مؤثر و پربرکت خواهد بود و بیش‌افزای ایشان در موضوع اثر می‌باشد...».

در بخشی از «دوران جدید عالم»، چنین می‌خوانیم: «بدانید که امروز تاریخ جهان، تاریخ بشریت، بر سر یک پیچ بزرگ تاریخی است. دوران جدیدی در همه‌عالم دارد آغاز می‌شود. نشانه‌بزرگ و واضح این دوران، عبارت است از توجه به خدای متعال و استمداد از قدرت لایزال الهی و تکیه‌به‌وحی بشریت، از مکاتب و ایدئولوژی‌های مادی عبور کرده است. امروز نه‌کار کم‌سیسم جاذبه دارد نه‌لیبرال‌مموکراسی



غرب جاذبه دارد می‌بینید در مهد لیبرال‌مموکراسی غرب، در آمریکا، در اروپا چه خبر است؛ اعتراف می‌کنند به شکست نه ناسیونالیست‌های سکولار

جاذبه‌های دارند. امروز در میان امت اسلامی، بیشترین جاذبه متعلق است به اسلام، به قرآن، به مکتب‌وحی وحی الهی و اسلام عزیز، می‌تواند بشر را سعادت‌مند کند. این یک پدیده‌سیاسی مبارک و بسیار مهم و پرمعنایی است. امروز در کشورهای اسلامی، علیه دیکتاتوری‌های وابسته‌قیام‌شده‌است، این مقدماتی است برای قیام علیه دیکتاتوری جهانی و دیکتاتوری بین‌المللی که عبارت است از دیکتاتوری شبکه‌فاسد و خبیث صهیونیستی و قدرت‌های استکباری. انقلاب اسلامی، ناگهان تمام موجودیت و نظام ارزشی دستگاه استعماری غرب و دنیای سرمایه‌داری را زیر سؤال برد؛ یعنی آینده‌شان را کلاهپدید کرد و ابهامی به آینده آنها داد؛ چون این انقلاب بر مبنای اسلام بود و نتیجتاً هر جا مسلمانی باشد، ممکن است این انقلاب بالقوه در آنجا تحقق پیدا کند. بعد هم مرتب نمونه‌های آن را از افغانستان گرفته تا اندونزی و مائزی و مصر و تونس و حتی در کشورهایی که سیستم‌های به‌اصطلاح انقلابی دارند- مثل الجزایر یالبلی- دیدند و مشاهده کردند که همین‌اسلام در آنجاها سر بلند کرده است و در من مبارز می‌گوید و آینده را ترسیم می‌کند. اینها احساس وحشت کردند و تمام دنیای سرمایه‌داری و استکباری دست به‌هم‌دادند، برای اینکه در مقابل اسلام باایستند، البته دنیای سوسیالیسم به‌گونه دیگر مقابله می‌کرده؛ منتها مثل غربی‌ها ابزار لازم اندیشمندی و آینده‌نگری و توجه را در اختیار نداشت. این رسته‌ای از تمدن صنعتی و مسئله آمار و آرشپوها و آینده‌ها و حدسیات است که شرقی‌ها به همان نسبت که در کار صنعتی عقبنده، در این قضیه هم از غربی‌ها عقبنده...».

■ **مریم صادقی پری**

تاریخ، همواره از روزها و سال‌ها ساخته نمی‌شود که از صداها نیز شکل می‌گیرد. صداهایی که سال‌ها در گوشمان طنین انداخته‌اند، بخشی از زندگی روزمره‌مان بوده‌اند و ما با آنها خو گرفته‌ایم و حتی بزرگ شده‌ایم. برای من، سال‌ها بود که شنیدن سخنرانی‌های رهبر فرزانه و شهید انقلاب اسلامی، نوعی عادت آشنا و دل‌نشین بود؛ آنقدر آشنا که گاهی چند بار تکرار شان می‌کردم، انگار در این تکرار، چیزی عمیق‌تر از معنا را کشف می‌کردم؛ شاید آرامش، شاید حجت، یا صرفاً لذت شنیدن آن لحن خاص. با هدف تسکین غمی که پس از شهادت ایشان، همه وجودم را در بر گرفته بود، بار دیگر به شنیدن سخنان گذشته‌شان بازگشتم، اما در میانه همین بازشنیدن‌ها، دوباره لحظاتی تاب‌برای من تداعی شد. نوشتار بی‌آمده، تلاشی است برای واکاوی همان لحظه‌های ناب که در آن، میان عادت و

آگاهی و میان شنیدن و فهمیدن، مرزی باریک کشیده می‌کشد. امید آنکه این دل‌نگاشت، سوگواران «آقای ایران» را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **من شما را نمی‌بینم و دوستان دارم!**

دو سال پیش، در ۱۹ فروردین ۱۴۰۳، در میان جمع دانشجویان و حین سخنرانی رهبر شهید انقلاب اسلامی، یکی از دانشجویان با صدای بلند گفت: «آقا دوست‌دارم!» و رهبری پاسخ دادند: «خوش به حالتان که بنده را می‌بینید و دوست دارید؛ من شما را نمی‌بینم و دوستان دارم!». این پاسخ شیرین، دانشجویان را به وجد آورد و به دل همه ما نشست. همان موقع از ته قلب آرزو کردم که کاش من هم در جمع دانشجویان حضور داشتم و از آن فضای پرشور و معنوی بهره‌مند می‌شدم.

یک سال بعد اما، این آرزو محقق و توفیق حضور در آن جمع نصیبم شد. عینک دوربینم را با خودم برده

«ما با او بزرگ شدیم»

آنچه اکنون بیش از همه جلب توجه می‌کند، جمله‌ای است که در ۱۱ بهمن ۱۴۰۴ بر زبان امام شهید جاری شد: «بعثت مردم» را بشمارن از اعتماد به نیروی مردم در عبور از بحران‌ها دانست. حال که پس از چندی به این جمله می‌اندیشم، آن را نه یک پیش‌بینی سیاسی، بلکه نوعی اعتماد راهبردی به ملت می‌بینم؛ اعتمادی که ریشه در درک عمیق از توانمندی‌های مردم ایران دارد



رهبری که با هدایت خویش، لحظه‌های ناب می‌آفرید

«ما با او بزرگ شدیم»

این کلام بسیاری از هم‌نسلی‌های ماست

این کلام بسیاری از هم‌نسلی‌های ماست

بودم تا ایشان را واضح‌تر ببینم اما غبار اشک شوق در چشمانم مانع می‌شد. در همان حال، یاد خاطره‌ای از شهید سیدحسن نصرالله در کتاب «سید عزیز» افتادم؛ ایشان از نخستین دیدار با امام خمینی در جماران روایت می‌کند، جایی که برای حتی یک لحظه پلک بر هم نگذاشت تا فرصت تماشای امام را از دست ندهد. در همان جلسه، سخنان رهبر انقلاب، چنان راهنمایی برای درک عمیق‌تر این لحظات حساس و تعیین‌کننده بود. ایشان فرمودند: «همچنان که جوانان تکیه دارم و امید فقط به آنهاست، اما شرط اساسی این است که جوانان بر مواضع درست خودشان مانده‌اند باشند و بر آن استقامت کنند و با زوبه‌رو شدن با موانع، دچار تردید و انفعال و انحراف از مسیر اصلی نشوند...». قسمت پایانی سخنان آن روز که به مسئله آمریکا و تهدیدات نظامی این کشور اختصاص داشت، بار دیگر این رویکرد قاطعانه را نمایان ساخت: «اگر آمریکا و عواملش حرکت غلطی بکنند، خودشان بیشتر ضربه خواهند خورد. البته ما دنبال جنگ نیستیم، چرا که جنگ چیز خوبی نیست، اما اگر کسی اقدامی کند، قاطعانه جواب می‌دهیم...».

■ **نماز عید که آخرین اقتدا بود**

سال‌ها بود که شوق حضور در مصلاخ تهران برای ادای نماز عید فطر، برایم لذتی وصف‌ناپذیر داشت، اما هر گز تصور نمی‌کردم، آخرین توفیق اقتدا به ایشان در نماز عید رمضان، در سال ۱۴۰۴ باشد. در همان نماز، سخنان نشان دربار ه‌فته‌های دشمن و پاسخ کوبنده ملت ایران، هشداری بود که شاید عمق آن را در آن لحظات درک نمی‌کردیم. در آن روز ایشان فرمودند: «اگر شرارتی انجام بگیرد، قطعاً ضربه‌مقابل و محکم خواهند خورد و اگر به فکر این باشند که در داخل کشور فتنه راه بیندازند، مثل بعضی از سال‌های قبل که راه‌انداختند، جواب‌شان را خود ملت ایران خواهند داد، همچنان که در گذشته دادند...». این هشدار، نشان از بصیرت عمیق رهبر شهیدمان، نسبت به حوادث آینده داشت کشور داشت.

تاریخ

۶۰-۸۵۳۳

فروردین ۱۳۹۸، آستان قدس رضوی (ع)، دیدار با اقلش مختلف مردم

درد

سال‌ها شنیدن سخنرانی‌های رهبر شهید، نوعی عادت آشنا و دل‌نشین بود؛ آنقدر آشنا که گاهی چند بار تکرارشان می‌کردم، گو در این تکرار، چیزی عمیق‌تر از معنا را کشف می‌کردم؛ شاید آرامش، شاید حجت، یا صرفاً لذت شنیدن آن لحن خاص. با هدف تسکین غمی که پس از عروجش، همه وجودم را در بر گرفته بود، بار دیگر به شنیدن سخنان گذشته‌شان بازگشتم، اما

لحظاتی نساب بر ایمنم تداعی شد

بعدها در ۲۷ دی ۱۴۰۴، پس از آنکه فتنه صهیونی – امریکایی در کشور فروکش کرد، ایشان در دیدار مردم در سالروز بعث پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «البته ملت ایران کمر فتنه را شکست، با حرکت میلیونی ملت ایران در روز بیست‌ودوم دی‌ماه، بیست‌ودوم دی‌ماه (هم)، یک روز تاریخی مثل بیست‌ودوم بهمن شد؛ یعنی بیست‌ودوم دی‌ماه را ملت ایران ساخت و یک افتخار دیگر بر افتخارات خود افزود. در روز بیست‌ودوم دی، ملت ایران در تهران با چند میلیون جمعیت و در شهرهای مختلف با جمعیت‌های انبوه و فراوان، توانستند به دهان پرگو می‌مانند محکمی بزنند. بحمدالله این کار را کردند، فتنه را خواباندند (این) ملت ایران است...».

■ **رهبری و تربیت نسلی نو**

یکی از رویدادهایی که همواره پیگیر آن بودم، نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و دیدار قائد شهید از این میعاد سالانه بود. آخرین دیدار ایشان، به‌نمایشگاه سی و پنجم در ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳ بازمی‌گردد. اگر از بسیاری از هم‌نسلان من بپرسید که چطور کتابخوان شوید، یک پاسخ واحد می‌دهند: پیروی از توصیه‌های مؤکد رهبری. حقیقتاً حضرت آقا، ما را با بسیاری از کتاب‌های خوب و خواندنی آشنا کردند. نسل ما درگیر یاد تحصیل و فشارهای آموزشی، تنها سرگرم مطالعه در حوزه کتاب‌های درسی بود. گاهی تنها میل به مطالعه، ما را به سمت برخی آثار می‌کشاند، اما رویه ایشان در معرفی شعر، ادبیات و تاریخ بسیار اثرگذار بود. بارها فرموده بودند که ما محتاج به مطالعه کتاب هستیم و مایلیم که این امر رواج پیدا کند.

این روزها، این‌تعبیر که «حضرت آقا ما را بزرگ کرد» را از بسیاری از هم‌نسلی‌های خودم و به کرات شنیده‌ام. حقیقتاً دفعه‌های پدرا نه‌شان در تربیت نسلی با سواد، دانشمند و کاردان، قابل توجه است. در کنار رویکرد آشناسازی نسل جوان با کتاب، توصیه به عبادت و انجام مسافرت‌های معنوی و زیارتی، من را



یاد توصیه‌های امام خمینی به طلاب می‌انداخت که: «هر قدمی که به سمت علم برمی‌دارید، دو قدم به سمت تهذیب نفس بروید».

■ **قدر انقلاب را بدانیم**

در نخستین سالگرد شهادی خدمت، در ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۴، امام شهید سخنرانی‌ای شنیدنی ایراد کردند. ایشان در آغاز سخن تصریح کردند که هدف‌شان از بیان خدمات و ویژگی‌های شهید آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی، ستایش صرف آن شهید نیست، بلکه درس گرفتن از او و همگنان است. سپس در فرازهای پایانی، نکته‌ای تأمل‌برانگیز را یادآور شدند: «آن سالی که انقلاب پیروز شد، سال ۵۷، شهید رئیسی یک جوان ۱۸ساله بود؛ شهید آل‌هاشم یک نوجوان ۱۶ساله بود؛ شهید امیرعبداللهیان یک پسر بچه ۱۴ساله بود؛ شهید مالک رحمتی به دنیا نیامده بود؛ اینها پرورش‌یافته‌های انقلابند...». در پایان افاق روشن برای آینده ترسیم کردند: «قدر انقلاب را بدانیم، قدر این سازندگی را بدانیم، قدر این حرکت عظیم ملت ایران را بدانیم، قدر این پیشرفت را بدانیم، از خدای متعال کمک بخواهیم، این راه را ادامه بدهیم؛ ان‌شاءالله ملت ایران یک درس‌ماندگاری برای بشریت تثبیت خواهد کرد و به فضل الهی، این خدمت را برای همه دنیا، همه بشریت اهدا خواهد کرد...».

اکنون که یک سال از آن سخنرانی گذشته است، هر بار که ایسن جملات را مرور می‌کنم، بیش از پیش از عمق نگاه و اشارات ایشان میهوت می‌شوم؛ به‌ویژه آن تعبیر بلند که ملت ایران را حامل یک «درس ماندگار برای بشریت» معرفی می‌کند. چه افاق بلندی، چه نگاه دوراندیشی و چه ایمان استواری در این سخن نهفته بود.

■ **عزت و اعتماد به نفس**

یکی از کتاب‌هایی که مطالعه آن مکرر‌أز سوی رهبر شهید توصیه شد، نگاهی به تاریخ جهان نوشته جواهر لعل نهرو، نخست‌وزیر هند پس از استقلال است. نهرو در بخشی از این اثر می‌نویسد: «پیامبر اسلام به اعراب وحدت، انضباط و اعتمادبه‌نفس بخشید و آنان که پیش‌تر قبایلی پراکنده بودند، توانستند امپراتوری ایران و بخش بزرگی از روم شرقی را فتح کنند...». هنگامی که این فراز را می‌خواندم، ناخودآگاه به یاد بنیانگذار کبیر انقلاب و قائد شهید افتادم؛ بزرگانی که روح اعتمادبه‌نفس، عزت و باور به توانایی را در جان ملت ایران دمیدند. آنان ملتی را که سال‌ها در سایه وابستگی و احساس ناتوانی زیسته بود، به ملتی تبدیل کردند که به نیروی «ما می‌توانیم» ایمان آورد. رهبر انقلاب اسلامی در تبیین این حقیقت فرموده‌اند: «انقلاب را مردم انجام دادند، اما امام به وجود آورد. این انقلاب، یک ساخت سیاسی سلطنتی را در هم شکست و مردم‌سالاری را جایگزین آن کرد؛ این انقلاب، یک نظام دست‌نشانده و ذلیل در مقابل قدرت‌ها را از میدان خارج کرد و یک نظام مستقل و متکی به عزت ملی را جایگزین آن کرد؛ این انقلاب، یک حکومت ضد اسلام را از میدان خارج کرد، به جای آن یک حکومت اسلامی می‌پانگذاشت و کرد و بنا نهاد؛ این انقلاب، استبداد را به آزادی، بی‌هویتی روزافزون این ملت را به هویت ملی و به اعتماد به نفس تبدیل کرد؛ این انقلاب، یک ملت بشم‌دوخته به دست اجانب را به نیروی ما می‌توانیم مجهز کرد. اینها معجزه‌های این انقلاب عظیم و این تحول بزرگی است که امام بزرگوار در سطح کشور به وجود آورد. این ما می‌توانیم که گفتیم، کلید حل همه مشکلات است...».

می‌توانیم چه‌کند. اینها معجزه‌های این انقلاب عظیم و این تحول بزرگی است که امام بزرگوار در سطح کشور به وجود آورد. این ما می‌توانیم که گفتیم، کلید حل همه مشکلات است...». مشکلاتی داشته‌ایم و داریم و خواهیم داشت، اما آن چیزی که می‌تواند این مشکلات را برطرف کند و مشکلات گذشته را برطرف کرده و در آینده محکم علاج مشکلات ماست، همین روحیه و نیروی ما می‌توانیم است که انقلاب امام بزرگوار در این کشور این روحیه را به وجود آورد...».

در حقیقت همانگونه که پیامبر اسلام (ص) با احوای هویت و عزت مسلمانان، آسان‌را از پراکندگی و ضعف به قدرت و تمدن رساند، انقلاب اسلامی ایران نیز با احوای اعتماد به نفس ملی، روح تازه‌ای در کالبد این ملت دمید و افاق‌های جدیدی پیش روی آنان گشود و نمایان ساخت.

■ **ما به وظیفه‌مان عمل می‌کردیم، اما...**

سال ۱۴۰۴ش ا حادثه متعدد و حتی تکان‌دهنده‌ای همراه بود؛ از جنگ ۲ روزه گرفته، تا فتنه دی‌ماه. این رخدادها، بار دیگر مردم را به صحنه آورد. تجمعات گسترده‌ای در سراسر ایران شکل گرفت و جلوه‌ای از حضور و همبستگی ملی، در منظر جهانیان به نمایش در آمد. تصویر مردم در جشن غدیر، در حالی که کشور در میانه حمله رژیم صهیونیستی قرار داشت، تصویری فخرانگیز و ماندگار بسود. در همان روزها، بار دیگر پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی منتشر شد؛ پیامی که با تشکر از ملت بزرگ و وقت‌شناس ایران آغاز می‌گشت: «ملت ایران نشان داد هم‌متین است، هم شجاع است، هم وقت‌شناس است. این حرکت عظیمی که مردم در روز جشن غدیر به دنیا نشان دادند، حرکت عظیمی بود؛ اجتماعات مردم، راهپیمایی‌های مردم در همین چند روز، حضورشان در نمازجمعه‌ها و راهپیمایی‌شان بعد از نماز، همه‌این‌ها نشان دهند، رشد ملت ایران و قوام عقلا‌ریت و معنویت، همراه با شجاعت و وقت‌شناسی در ملت عزیزمان است. خدا را شکر می‌کنم که بحمدالله این ملت مؤمن را در این حد از توانایی‌ها و امکانات معنوی و مادی قرار داده است...».

در آن زمان، همواره این‌تکر در ذهنم تداعی می‌شد، آنچه مرا مرید ایشان کرده، همین اخلاص و محبت به مردم است. ما به وظیفه‌مان عمل کرده بودیم، باور داشتم در برابر جوانی که پای

۹ جوان

لانچرها جانشان را فدای وطن و اسلام می‌کنند، کار بزرگی از ما سرزده است، اما رویه رهبر فرزانه انقلاب و این روحیه قدردانی و محبت صادقانه‌شان، به رفتارها و اعمال کوچک ما معنا می‌بخشید. در آن روزها بیش از همیشه فهمیدم که پیوند میان مردم و رهبری، تنها یک رابطه رسمی و سیاسی نیست؛ ریشه در اعتماد، ایمان مشترک و تجربه سختی‌های دارد که کنار هم از سرگذراننده‌ایم و به موازات آن پالیده‌ایم. پس از راهپیمایی ۲۲ بهمن همان سال نیز ایشان در پیام تلویزیونی، بار دیگر از حضور مردم قدردانی کردند: «ملت عزیز ایران! دیروز، در روز بیست‌ودوم بهمن امسال کار بزرگی انجام دادید؛ ایران را سربلند کردید؛ جمهوری اسلامی را مانند همیشه پشتیبانی کردید و به قدرت آن افزودید. دشمنانی که در اظهارات خود، در برنامه‌ریزی‌های خود، به دنبال تسلیم ملت ایرانند، مأیوس شدند. این کار بزرگ را دیروز به توفیق الهی انجام دادید و خدای متعال اجر چنین حضوری را و چنین حرکت عظیمی را به ملت خواهد داد و آن، عزت بیشتر، اقتدار بیشتر و استقلال کامل‌تر خواهد بود...».

■ **بعثت مردم**

در دی‌مسه ۱۴۰۴ و در پیچ و خم روزهایی که عمل امریکایی- صهیونی در کشور به ایجاد آشوب و بلوا پرداخته و در تلاش برای مخدوش کردن امنیت عمومی بودند، رهبر انقلاب از وحدت، یکپارچگی و احساس پیروزی سخن می‌گفتند. چنانکه در سخنانی در جمع مردم قم در ۱۹ دی ماه فرمودند: «جوان‌های عزیز! دینتان را فکر سیاسی‌تان را حضورتان را آمادگی‌هایتان را جدیت‌تان در امر پیشرفت کشور را حفظ کنید، وحدت‌تان را حفظ کنید، وحدت را حفظ کنید؛ ملت یکپارچه بر هر دشمنی فائق می‌آید. خداوند ان‌شاءالله شماها را حفظ کند، این آمادگی‌هایتان را هم حفظ کند. ان‌شاءالله به زودی زود، خداوند احساس پیروزی را در دل‌های همه مردم ایران رواج بدهد...».

آنچه بیش از همه در این روزها جلب توجه می‌کند، جمله‌ای است که در ۱۱ بهمن ۱۴۰۴ بر زبان ایشان جاری شد؛ جمله‌ای که می‌توان آن را نشانه‌ای روشن از اعتماد به نیروی مردم و نقش تعیین‌کننده آنان در عبور از بحران دانست: «به توفیق الهی اگر چنانچه حادثه‌ای برای کشور پیش بیاید، خدای متعال این مردم را مبعوث خواهد کرد برای مقابله با حوادث و کار را مردم تمام خواهند کرد...». حال که پس از گذشت چند ماه به این جمله می‌اندیشم، آن را نه یک پیش‌بینی سیاسی، بلکه نوعی اعتماد راهبردی به ملت می‌بینم؛ اعتمادی که ریشه در درک عمیق از توانمندی‌های بالقوه و بالفعل مردم ایران دارد. این اعتماد از بزرگانه‌های تاریخی از دوران دفاع مقدس تا حوادث شای‌های اخیر، بارها کارآمدی خود را نشان داده است. گویی رهبری با الهام از هست سنت الهی و تاریخی، مردم را به عنوان اصلی‌ترین سرمایه و نیروی تحول‌آفرین در مواجهه با هر گونه حادثه و چالش معرفی می‌کنند. امری که چندی بعد، در عمل و در هر کوی و خیابان و میدان خود را نشان داد و اثبات نمود.

■ **و سخنرانی آخر: هویت عاشورایی ملت ایران**

کلامی که این شب‌ها محافل میادین و خیابان‌های این مرزوبوم را پر کرده، جمله قصار و ماندگار حضرت اباعبدالله الحسین (ع) است؛ عبارتی که رهبر شهید انقلاب در آخرین بیانات خود و در استناد به آن، هویت تاریخی ایرانیان را بازخوانی کردند: «ملت ایران درس‌های اسلامی و شیعی خودش را خوب بلد است می‌داند که چه‌کار کند. امام حسین (ع) فرمود: مثلی یا بیابخ مثل بزید؛ مثلی که می‌شنی من، با کسی مثل بزید بیعت نمی‌کند. ملت ایران در واقع می‌گویند: مثلی مثل ما، با این فرهنگ، با این سابقه، با این معارف عالی، با سمدارانی مثل افلا فاسدی که امروز در امریکا سرسبز کارند، بیعت نخواهد کرد... این استناد، تنها یک جمله تاریخی نبود؛ بازخوانی یک هویت ریشه‌دار بود. حس غروری که از مکتب سیدالشهدا (ع) آموخته‌ایم، ما را عاشورایی بار آورده است. مثلی که عزت را نه در سازش که در ایستادگی معنا می‌کند و پای عقیده حق خویش می‌ایستد. رهبر فرزانه انقلاب، سلال‌ها تلاش کردند تا غم‌لوری ایرانیان، هیچ‌گاه مورد حمله و دستکاری و تخریب و داعیه‌داران ابرقدرتی در جهان قرار نگیرد.

در آن واپسین سخنرانی، تأیید این هویت و استحکام ملی، همچنان از دیدگاه آن بزرگ دور نماند؛ نکته‌ای که پیشش از آن نیز فراوان از زبان ایشان شنیده‌بودیم: «جمهوری اسلامی، یعنی یک ملت زنده. جمهوری اسلامی، یک حکومت جدا از مردم نیست. جمهوری اسلامی عبارت است از ملت ایران، این ملت پابرجا، این پیشرفت خودش زحمت بکشد، کار کند، تلاش کند و بحمدالله در این ۴۷سال پیشرفت کرده. آن روزی که جمهوری اسلامی یک نهال باریک بود، شما نتوانستید آن را از زمین قلع کنید و بکنید؛ امروز که بحمدالله جمهوری اسلامی یک شجره مبارک به بلند و پرثمر است... این سخنان، برای ما صرفاً بیان یک موضع سیاسی نبود؛ توصیف یک حقیقت اجتماعی بود: حقیقت ملتی که خود را از حاشیه تاریخ به متن آورده و برای عزت و پیشرفت خویش، به گونه‌ای مستحکم ایستاده است. «جمهوری اسلامی» نه یک ساختار حکومتی بیگانه که تجلی همین ملت «زنده»، «پابرجا» و «مستحکم» است که نهایتاً کار را تمام خواهد کرد.

۱۰ بهمن ۱۳۹۷، اقلیه نماز در حرم امام خمینی

